

سیر تحول لعاب سلادون

سفال از کهن‌ترین و مهم‌ترین ساخته‌های انسان است. هزاران سال قبل، زمانی که انسان اولیه به ظرف برای نگهداری غذا پی برد، با به کارگیری خلاقیت خود در استفاده از خاک موفق به ساخت ظروف سفالین اولیه شد. سفالینه‌های اولیه خشن بود و فرمهای ساده و دست‌ساز داشت؛ ولیکن با گذشت زمان و اختراع چرخ سفالگری، تنوع و ظرافت بیشتری یافت.

در میان آثار به‌دست‌آمده در کاوشهای باستان‌شناسی، سفال همواره جایگاهی ویژه داشته است؛ چراکه به بهترین نحو از فرهنگ، شیوه زندگی، طرز تفکر، و باورهای دینی اقوام مختلف حکایت می‌کند.

کهن‌ترین قطعات سرامیکی‌ای که در ایران به دست آمده سفالینه‌های متعلق به هزاره هشتم قبل از میلاد است، که در منطقه گنج‌دره، در غرب کرمانشاه، و نیز در نزدیکی بهشهر، در مازندران، کشف شده است.^۱

پیشینه کاربرد لعاب در ظروف سفالین در ایران به حدود هزاره اول قبل از میلاد می‌رسد. قبل از این زمان هم لعاب در ایران شناخته بود — چنان‌که در سطح آجرهای معبد چغازنبیل (قرن سیزدهم قبل از میلاد) لعاب دیده می‌شود — ولی کاربرد آن عمومیت نداشت.^۲ در دوره‌های بعد، استفاده از پوششهای لعابی رواج بیشتری یافت. نمونه آن کاشیهای لعاب‌دار زیبای دوره هخامنشیان در شوش و تخت جمشید و ظروف لعاب‌دار تک‌رنگ آبی و سبز در دوره‌های اشکانیان و ساسانیان است.^۳

در سده اول/هفتم، با ورود اسلام به ایران، سفالگری وارد مرحله‌ای جدید شد که بدان سفالگری دوران اسلامی می‌گویند. با استقرار شریعت اسلام، پیکره‌سازی و ساخت ظروف طلا و نقره از رونق افتاد؛ اما در مقابل، سفالگری شکوفا شد و بسیار گسترش یافت و شهرهایی نظیر ری، کاشان، نیشابور، گرگان، ساوه، کرمان، ری به مناطق مهم سفالگری ایران تبدیل شد. کهن‌ترین نمونه به‌دست‌آمده از سفالینه‌های اولیه اسلامی مربوط به قرن دوم/هشتم است. این سفالینه لعاب ندارد و نقشهای روی آن بسیار ساده است.

ظاهراً در صدر اسلام صنعت سفالگری ساده و کاربردی بوده و در آنها جنبه‌های کاربردی بر زیبایی ارجحیت داشته است؛ اما به تدریج در آن از طرحها و نقوش ادوار قبل از اسلام، همچون ساسانی و هخامنشی،

ظرف با پوشش لعاب سلادون محصولی سرامیکی است که در کنار آثار شکفت‌انگیزی چون زرین‌فام، مینایی، آبی‌وسفید جایگاهی ارزشمند دارد. نخستین بار در حدود دوهزار سال قبل از میلاد، تلاش سفالگران چینی در تولید ظروفی مشابه سنگ یشم، که نزد آنان بسیار باارزش و گران‌بها بود و حرمت بسیار داشت، به ساخت ظروف سلادون انجامید. این ظروف در کشورهای دیگر، چون ایران، کره، ترکیه، همچون زادگاهش ارزشمند بود و در این سرزمینها در زمانهای مختلف تقلیدهای بسیاری از نوع اصلی آن صورت گرفت. در این زمینه، در ایران تلاشهای بسیاری شد و کانونهای متعدد ساخت ظرف سلادون پدید آمد.

در زمان حمله مغولان، که سفالگری ایرانی به لحاظ ویران شدن بسیاری از مراکز اصلی دچار رکود نسی شده بود، ظهور ظروف سلادون در منطقه کرمان به این هنر و صنعت دوباره جان بخشید؛ آن‌چنان‌که در برخی از منابع، از سفال ایرانی در ذیل سفال کرمان یاد شده است. این شکوفایی در دوره‌های تیموریان و صفویان نیز ادامه یافت و مراکز گوناگون سفالگری با لعاب سلادون در ایران فعال شد. سفالگران ایرانی اگرچه از الگوهای چینی تقلید می‌کردند، به تدریج ذوق و فن ایرانی را نیز در آن وارد کردند و سلادونی خاص ایران پدید آوردند.

در این مقاله می‌کوشیم به این قطعه گم‌شده از تاریخ سفال اسلامی بپردازیم و جایگاه آن را در میان سفالینه‌های این دوران در ایران روشن کنیم.

تعریف سلادون

واژه سلادون در فرهنگ لغت فرانسه به فارسی^۲ به معنای سبز روشن و مغزیسته‌ای آمده است؛ و در فرهنگ مختصر آکسفورد^۱، به معنای لعاب سبز مایل به خاکستری که بر برخی از سفالینه‌ها می‌دهند.

سلادون نام خانواده‌ای از لعابهاست که در تاریخ سرامیک جهان پیشینه‌ای دیرینه دارد. این لعاب نخستین بار در چین (در حدود ۱۶۰۰ ق.م)، که از مراکز مهم و اصلی ظهور و تکامل ظروف سرامیکی پخته در دمای بالا است، ساخته شد.^۳

سفالگران چین همواره توجه و دقت خاصی به اثر مواد و عناصر مختلف در بدنه و لعاب داشتند و هم‌زمان با پیشرفت در تولید بدنه‌های پخته در دمای بالا، توجه آنان به چگونگی و تأثیر لعابهای فلدسپاتیک^(۱) بر بدنه سرامیکی جلب شد. آنان متوجه شدند که اکسید آهن موجود در این لعابها در محیط احیایی کوره طیف گسترده رنگی شامل سبز، سبز مایل به خاکستری، زیتونی، سبزی، آبی، زرد کاهی، و قهوه‌ای ایجاد می‌کند. از این راه، آنان توانستند اشیایی همانند سنگهای سخت، با استحکام بسیار و گاه قیمتی بسازند که امروزه سلادون نامیده می‌شود.^۴ شباهتهای بسیار زیاد رنگ سلادون به سنگ یشم^(۱) (ت ۱)، که چینیان ارزشی فوق‌العاده برای آن قایل بودند و کنده‌کارهای زیبایی بر آن می‌کردند، موجب اهمیت بسیار این لعاب شد و حتی سالیان دراز، استادان این صنعت طرز ساختن آن را راز می‌شمردند و فقط به شاگردان خاص خود می‌آموختند.

ویژگیهای لعاب سلادون

از جمله ویژگیهای این لعاب طیف رنگی گسترده‌اش (از سبز تا قهوه‌ای) است. این تنوع رنگی بسته به ضخامت لعاب و شرایط کوره متفاوت است. همچنین این لعاب موجب می‌شود که برجستگیهای نقوش بر ظرف بهتر نمایان شود. مهم‌ترین نقوش ظروف سلادون نقش ماهی، نیلوفر آبی (لوتوس)، ابرهای پیچیده چینی، و سایر



بهره گرفتند و به جنبه‌های زیبایی نیز توجه کردند. از انواع ظروف سفالین لعاب‌دار دوران اسلامی در ایران می‌توان از سفالینه‌هایی با لعاب لاجوردی، لعاب زرین‌فام، لعاب مینایی، لعاب آبی‌وسفید، و لعاب سلادون^(۱) یاد کرد.

بر طبق مدارک و شواهد تاریخی، ظرف سلادون نخستین بار در اواخر دوره ایلخانیان از چین وارد ایران شد.^۵ چین کانون ایجاد سرامیک در دمای بالاست. سفالگران چینی از دوران نوسنگی توانایی و بی‌همتایی‌شان را در این صنعت نشان دادند. دمای کوره‌های آنان در دوران باستان تا حدود ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد نیز می‌رسید؛ در حالی که در مراکز سفالگری اروپا و آسیا، دمای کوره‌ها از حدود ۹۰۰ درجه سانتی‌گراد فراتر نمی‌رفت.^۶

شکوه و جلوه ظروف سلادون سفالگران ایرانی را، همچون همتایانشان در دیگر سرزمینها، مبهوت و شگفت‌زده کرد و آنان را واداشت در تقلید از سلادون چین بکوشند. گرچه تقلیدهای اولیه سفالگران ایرانی ضعیف و خام‌دستانه بود؛ به‌مرور زمان به چنان پیشرفتی دست یافتند که تشخیص نمونه‌های اصل و تقلیدی دشوار می‌نمود. سفالگران ایرانی با ذوق و خلاقیت خویش توانستند، طرحهای بدیعی از سلادون را خلق کنند. با این همه، از جایگاه این گونه سفالینه در منابع چندان سخنی نرفته و در این باره تحقیق کافی نشده است.

ت ۱. بشقاب با نقش ماهی، سنگ یشم. چین

(1) celadon

(2) feldspathic

ت۲. (راست) تجزیه و تحلیل شیمیایی لعاب و بدنه یک قطعه سلا دون

ت۳. (چپ) گلدان سلا دون لانگ کوان



رنگ همه سلا دونهای لانگ کوان سبز تا آبی است. اندکی تغییر در ضخامت لعاب، دمای حرارت دهی، یا شرایط احیا منجر به ایجاد طیف رنگی نسبتاً گسترده ای در کوره می شود.

سلا دون لانگ کوان مطلوب لعابی ضخیم و پرمایه به رنگ سبز تا آبی دارد که آن را بر بدنه خاکستری داده اند (ت۳). معمولاً چنین لعابی ترکیب آهک- فلدسپات، سیلیس، رس، آهن دارد؛ اما برای کسب بهترین نتیجه شرایط کمکی دیگری نیز لازم است:

۱. ضخامت لعاب: ضخامت لعاب باید در حدود ۱ تا ۲مم باشد. این ضخامت جلوه عمیقی به ظرف می بخشد که وجهی از حالت رمز آلود سلا دون لانگ کوان است. این ضخامت به ترک نخوردن ظرف و موج نداشتن آن نیز کمک می کند.

۲. حرارت دهی (پخت احیا): مهم ترین معیار برای رنگ نهایی لعاب دما و زمان حرارت دهی است؛ به گونه ای که

لعاب	بدنه
SiO ₂	۶۷/۱۶
Al ₂ O ₃	۱۵/۴۰
CaO	۷/۲۹
MgO	۰/۴۴
K ₂ O	۲/۸۷
Na ₂ O	۰/۲۲
TiO ₂	-
Fe ₂ O ₃	۰/۸۵
MnO ₂	-

نقش مایه های چینی است.

دنیای شگفت انگیز و رمز آلود سلا دون و مجموعه اعتقاداتی که با ظروف سلا دون عجین شده است از دیگر ویژگی این نوع سفالینه است؛ مثلاً ایرانیان و ترکان معتقد بودند که اگر ماده ای زهر آلود در آن بریزند بی درنگ رنگ آن دگرگون می شود و از وجود زهر خبر می دهد.^{۱۲}

ساخت لعاب سلا دون

لعاب سلا دون در دید اول شاید بیش از لعاب آهکی- قلیایی ساده ای حاوی حدود یک درصد اکسید آهن نباشد که در شرایط احیایی پخته شده است. اما ساخت لعاب سلا دون اصیل بسیار مشکل است و به مجموعه ای از عوامل متغیر، شامل ترکیب لعاب و شرایط پخت و ضخامت پوشش، وابسته است.

در برخی از تحقیقاتی که اخیراً در لعابهای لانگ کوان^(۳) (متعلق به دوره سونگ^(۴)) به کمک میکروسکوپی نوری و الکترونی انجام شده است، ترکیب اصلی و چگونگی حرارت دهی لعاب سلا دون را کاملاً تشخیص داده اند؛^{۱۳} مثلاً در مطالعه ریز ساختاری نوعی از لعاب سلا دون، کوارتز برج مانده و حبابهای گاز در این لعاب به وضوح مشخص است. از اینجا معلوم می شود که لعاب را تا حد پخت کامل حرارت نداده اند؛ علاوه بر این، بقایای کوارتز گواه این است که از ماسه ریز به منزله ماده خام در لعاب استفاده کرده اند. همه مشاهدات فیزیکی در ظروف لانگ کوان بر استفاده از رس مرغوب به منزله ماده خام اولیه همراه با منابع غنی فلدسپات دلالت می کند.^{۱۴}

از سوی دیگر، تجزیه و تحلیل با استفاده از پرتو ایکس در میکروسکوپ الکترونی ترکیب فلدسپاتی کم پتاسیم با آهک افزوده را نشان می دهد. به نظر می رسد که این بدنه ها را نیز با مقادیر مساوی فلدسپات پرتاسیم و خاک چینی (کائولن^(۵)) با سیلیکا^(۶)ی افزوده ساخته اند (ت۲).^{۱۵}

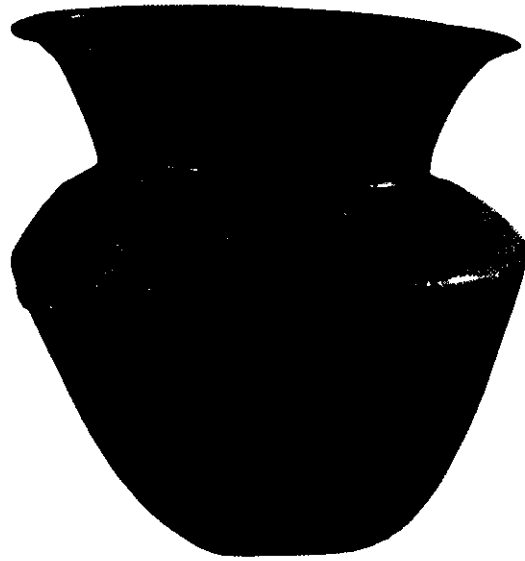
(3) Lang Kuan

(4) Sung (960-1279 AD)

(5) kaolin

(6) silica (Silicon Dioxide)

ت ۴. سلا دون اولیه،
معروف به زون،
سلسله شانگ،
۱۶۰۰-۱۱۰۰ ق م



منجر به تولید بدنه‌های پورسلین (پُرسلان)^(۱۸) یا چینی شد.^{۱۸}

طبق آخرین یافته‌ها، قدیمی‌ترین پورسلین چین سلا دون اولیه سلسله‌های شانگ و ژو^(۱۹)، که در اساس به سلا دون سلسله سونگ شبیه است.^{۱۹} پورسلین مستقلاً از سلا دون مشتق شد؛ و به عبارتی سلا دونها نخستین پورسلنها بودند. بنا بر این، ظهور سلا دون اولیه پیشرفتی تاریخی در تحول سرامیک چین در تولید پورسلین نیز به شمار می‌رود.

سلا دون اولیه با ویژگی‌هایی برتر از سفالهای پیشین به سرعت رواج یافت و هم‌زمان کیفیت آن نیز بهبود یافت. این تحول موجب شد تجارت جدیدی در صنایع دستی پورسلین در کنار تجارت سفال پدید آید. گستردگی تجارت سلا دون اولیه در سراسر چین از قطعاتی از این سفال معلوم می‌شود که در نقاط گوناگون چین یافته شده است.^{۲۰}

در دوره ایلتهای در حال جنگ^(۲۱) (۴۷۵-۲۲۲ ق م)، بدنه سلا دون خمیری فشرده و شکل‌های معمولی داشت. بیشتر ظروف تقلیدی از ظروف مفرغی‌ای بود که در آن دوره تولید می‌شد.^{۲۱} در آغاز سلسله هان غربی،^(۲۲) یعنی قرن سوم قبل از میلاد، مجموعه‌های کاملی از ظروف سلا دون ساخته شد.^{۲۲}

تولید سلا دون در دوره پادشاهیهای سه‌گانه^(۲۳) و سلسله جین^(۲۴) و سلسله‌های جنوبی^(۲۵) و شمالی^(۲۶)، به سبب گسترش مناطق تولید، افزایش بسیار داشت. در دوره سلسله هان، مراکز تولید سلا دون چین در استانهای کناره‌های میانی و پایینی رودخانه یانگ‌تسه^(۲۷) بود؛ ولی در این دوره به بخشهای بالای یانگ‌تسه و مناطق دیگر هم کشیده شد.^{۲۳}

در دوره سلسله تانگ^(۲۸) با گسترش مناطق تولید سلا دون، کیفیت تولیدات هم افزایش یافت. در این بهبود کیفیت، برخی از کوره‌های پورسلین بسیار مؤثر بود. در آن دوره، کوره‌های پورسلین را به نام مکانشان می‌خواندند و این‌چنین، مکاتب گوناگون ظروف چینی تانگ پدید آمد.

از کتاب *آداب جای*^(۲۹)، که لو یو^(۳۰) در دوره سلسله تانگ در قرن هشتم میلادی نوشت، اطلاعات بسیاری درباره انواع ظروف چینی در مناطق گوناگون

باید به تدریج به دمای نهایی نزدیک شد. حرارت‌دهی کم در لعابهای ضخیم از شره کردن و روان شدن لعاب جلوگیری می‌کند.

۳. لعاب دادن بر بدنه خاکستری آهن‌دار: برای ایجاد رنگ مناسب سلا دون، رنگ بدنه بسیار مهم است؛ مثلاً با بدنه سفید، سلا دونی با رنگ سبز مصنوعی به دست می‌آید.

تاریخچه سلا دون

سلا دون نه تنها در زادگاهش، چین، بلکه در سایر سرزمینها نیز مقبول و خواستنی بوده است؛ به طوری که در کشورهایی چون کره، ژاپن، تایلند، ایران، ترکیه، مصر نمونه‌های بسیاری از سلا دون باقی مانده است.^{۱۶}

سلا دون در چین

اولین سلا دونها ظروفی معروف به زون (تسون)^(۳۱) بود (ت ۴)؛ مربوط به سلسله شانگ^(۳۲) (قرن هجدهم تا دوازدهم قبل از میلاد)، که به «سلا دون اولیه» شهرت دارد. این ظروف با سفالهای اولیه که از گل رس ساخته می‌شد عمده‌تاً در دو جنبه تفاوت دارد:^{۱۷}

۱. در ساخت سلا دون اولیه، از خاک چینی سفید (کائولن) استفاده می‌شد؛
 ۲. دمای پخت دست‌کم ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد (محدوده پخت چینی) بوده است، که بسیار بیش از دمای حرارت‌دهی سفال (۸۰۰-۹۰۰ درجه) است.
- این دو تفاوت در مواد اولیه مصرفی و دمای حرارت‌دهی

(7) zun/ tsun

(8) Shang
(c. 16th-11th
century BC)

(9) porcelain/
porcelaine

(10) Zhou
(c. 11th century-
221 BC)

(11) Warring
States Period
(475-221 BC)

(12) Western
Dynasties: Song
(Former) Han
(206 BC-24 AD)

(13) Three
Kingdoms:
Wei (220-265),
Shu (221-263),
Wu (222-280)

(14) Jin (265-
420 BC)

(15) Southern
Dynasties: Song
(420-479), Qi
(479-502), Liang
(502-557), Chen
(557-589)

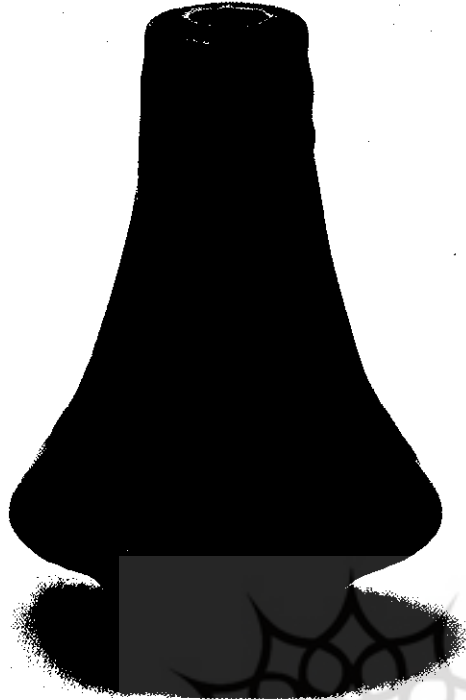
(16) Northern
nasties: Northern
Wei (386-534),
Eastern Wei
(534-550),
Western Wei
(535-557),
Northern
Qi (550-577),
Northern Zhou
(557-581)

(17) Yangtze

(18) Tang (618-
907)

(19) *Canon of
Tea* (8th century
AD)

(20) Lu Yu



بیش از دوره سونگ به تزئین توجه می‌کردند و در تزئین از فنون متنوع‌تری بهره می‌گرفتند؛ اما تنوع نقش‌ونگارهای آن از نقوش ظروف سونگ کمتر است و در آنها بیشتر از نقش نیلوفر و گل صدتومانی استفاده شده است. گاه از نقش جانوران واقعی یا افسانه‌ای، از قبیل ماهی، اژدها، آهو، ققنوس؛ یا طرح‌های انتزاعی، مانند طرح‌های پیچ‌دار، موج، گلبرگی، مشبک و علامتهای مختلف هم استفاده کرده‌اند. از ابزارهای متداول تزئین سلادون در این دوره مهرهای طرح‌دار و مدور است که آنها را در مرکز ظرف می‌کوبیدند.^{۲۱}

در سال ۱۳۶۸ م، سلسله بومی مینگ^(۲۲) جانشین سلسله مغولی یوئان شد. در دوره این سلسله، ظرف چینی (پورسلن) در جینگ‌دژن^(۲۳)، در ایالت جیانگ‌زی^(۲۴)، به‌وفور ساخته شد. در دوره یوئان، اصالت ظروفی که در کوره‌های لانگ-کوئان ساخته می‌شد محفوظ مانده بود؛ اما در دوره مینگ در این کوره‌ها سلادونهایی ساختند که در طرح و رنگ متأثر از چینی جینگ دژن بود. این طرحها چندان مناسب ظروف سلادون نبود؛ به همین علت، سلادون لانگ-کوئان در دوره سلسله مینگ هیچ‌گاه به مقام سلادونهای یوئان و سونگ نرسید. رونق کوره‌های جینگ دژن افول کوره‌های لانگ-کوئان را به همراه

چین به دست می‌آید. او علاوه بر فهرست کردن محصولات مناطق معروف، آن محصولات را از نظر مناسبت برای نوشیدن چای نقد کرده است.^{۲۲} یکی دیگر از جالب‌ترین نکات در مورد ظروف سلادون در دوره تانگ کاربرد این ظروف به منزله ساز است.

در دوره سونگ، ساخت سلادون در چین به اوج رسید (ت. ۵)؛ چندان‌که واژه سلادون یا دوره سونگ مترادف شده است.^{۲۵} مهم‌ترین مرکز ساخت سلادون در این دوره لانگ-کوئان بود.

در سال ۱۲۶۰ م، سلسله سونگ جنوبی^(۲۱) بر اثر تهاجمات پیوسته قبایلی قآن، بزرگ‌ترین جانشین چنگیز و مؤسس سلسله مغولی یوئان^(۲۲)، فرو پاشید. با آنکه این سلسله ۱۲۸ سال بیشتر بر چین سلطه نداشت، اثری ژرف بر فرهنگ چین گذاشت.^{۲۶}

مغولان ظاهراً در کار سفالگران چینی، که روزبه‌روز بر مهارت خود می‌افزودند، دخالتی نکردند. آنان از چین برای تجارت بهره بردند. بازرگانان مسلمان ایرانی و عرب از رونق تجارت چین استقبال کردند و بسیاری از آنان در بندرهای جنوب چین سکنا گزیدند. تعداد این بازرگانان چندان بود که در چند شهر جوامع مسلمانان تشکیل شد و خاورمیانه به بازاری مهم برای سرامیک چین تبدیل شد. در این دوره چینی مرغوب لانگ-کوئان را به این بازار می‌آوردند. به همین سبب، عجیب نیست که سبک لانگ-کوئان دستخوش تغییر ناگهانی نشد و به صورت سنتی از سلسله سونگ به سلسله یوئان منتقل شد.^{۲۷}

اهمیت سلادون یوئان در سال ۱۹۷۶ با کشف کشتی‌ای که در اوایل قرن چهاردم میلادی در خلیج کره غرق شده بود بیش از پیش مشخص شد. محموله کشتی عمدتاً سلادون لانگ کوئان بود، که تاکنون ۹۵۰۰ قطعه از آن بیرون آورده شده است. از این رو، بیشترین تعداد سلادونهای چینی جهان اکنون در موزه ملی کره نگهداری می‌شود، که تاریخ همه آنها به اوایل قرن چهاردهم میلادی برمی‌گردد.^{۲۸}

بدنه و لعاب در ظروف یوئان و سونگ تفاوت چندانی با هم ندارند؛ جز اینکه لعاب یوئان نازک‌تر است و در آن تهرنگ آبی به‌ندرت یافت می‌شود و بیشتر آنها به رنگ سبز مایل به شیری یا زرد است. در دوره یوئان

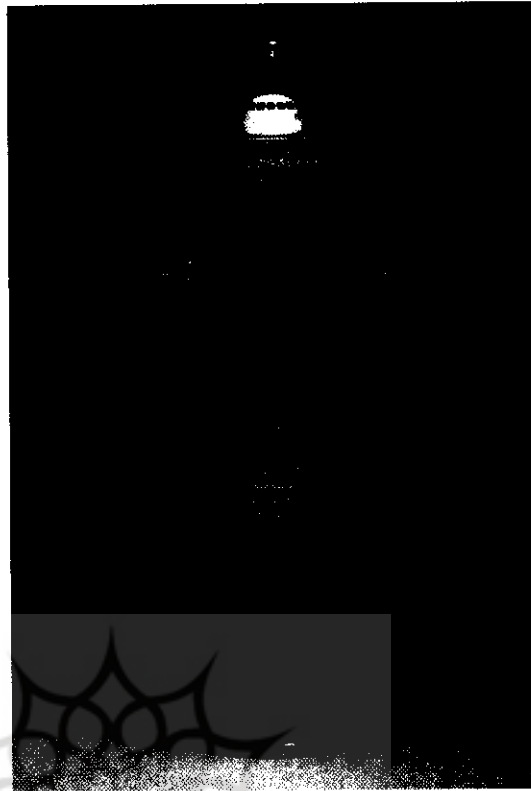
(21) Nan Sung
(1127-1279 AD)

(22) Yüan
(1271-1368 AD)

(23) Ming
(1368-1644 AD)

(24) Jingdezhen/
Ching-te-chen

(25) Jiangxi/
Kiangsi/ Chiang-
hsi



را در گنجینه سلطان سخت گرامی می‌داشتند و فقط برای ضیافت بیرون می‌آوردند. سلطان سلیم ظروف سلادون را به رسم هدیه شاهانه به پادشاهان دیگر کشورها می‌داد.^{۳۲}

پس از موزه ملی کره، بزرگ‌ترین مجموعه سلادون جهان، با حدود ۱۳۵۰ ظرف از میان بیش از ده‌هزار ظرف چینی، متعلق به موزه توپ‌قایی سرا در ترکیه است. عثمانیان این ظروف را نه از چین، بلکه از ایران و مصر و مانند آنها به کاخ توپ‌قایی آورده‌اند (ت ۶ و ۷ و ۸).^{۳۳}

سلادون در ایران

سلادون چین، همانند ظروف آبی‌وسفید، در جهان اسلام همواره مقبول و خواستنی بوده است و هیچ محوطه باستان‌شناسی در خاورمیانه و نزدیک نیست که چنین ظروفی در آن یافت نشود. چنین علاقه‌ای به سلادون چین، سفالگران ایرانی را در اواخر دوره ایلخانیان، و بعد از آن در دوره‌های تیموریان و صفویان، به تقلید از آنها ترغیب کرد.^{۳۴}

ساخت سفال لعاب‌دار پیش از آن نیز در ایران رایج بود؛ مثلاً در دوره سلجوقیان، ری و کاشان مهم‌ترین مراکز سفالگری بود. مغولان ری را در آغاز قرن هفتم / سیزدهم غارت کردند و از آن پس ظاهراً دیگر سفالگری در آن شهر پا نگرفت. اما در کاشان، که از غارت مغولان در امان مانده بود، تولید ظروف براق با نقوش زیرلعابی ادامه یافت.^{۳۵}

در اواخر قرن هفتم / سیزدهم و اوایل قرن هشتم / چهاردهم، مراکز سفالگری جدیدی پدید آمد، که از آن میان می‌توان کرمان، تخت سلیمان، سلطان‌آباد (اراک)، و حومه مشهد را نام برد. علاوه بر این، در شهرهای کوچک نیز کارگاه‌های سفالگری محلی به ساخت ظروف سفالین پرداختند.

کرمان، که به واسطه خیانت براق حاجب (قتلغ‌خان)، از امیران خوارزم‌شاهیان، از غارت مغولان در امان مانده بود، در این دوره یکی از مراکز مهم سفالگری شد. مغولان براق حاجب را به ولایت کرمان گماردند و او در آنجا سلسله قراختاییان کرمان (۶۱۹-۷۰۳ق) را تأسیس کرد. براق با قوانینی که در کرمان وضع کرد نقشی مهمی در تاریخ سفالگری ایران ایفا کرد.^{۳۶}

داشت؛ به طوری که کوره‌های لانگ-کوتان در این دوره از مرتبه شهرت بین‌المللی به مرتبه محلی نزول کرد.^{۳۰}

سلادون در کره^{۳۱}

ظرف سلادون در کره نیز محبوب و گران‌بها بود و از آن بسیار تقلید می‌کردند؛ چندان‌که در طی پنج قرن حکومت سلسله کوریو^(۲۶)، سلادون اصلی‌ترین محصول سرامیک در کره بود.

سلادون کره از نظر فرم و فنون متأثر از سلادون چین است؛ اما از حیث طراحی سطوح کاملاً بومی و خاص است و در آن از فن محلی خاصی به نام سنگام^(۲۷) استفاده شده است.

اگرچه موزه ملی کره دارای بیشترین تعداد سلادون در جهان است؛ از نظر کیفیت، سلادون چین به مراتب برتر از سلادون کره است.

سلادون در ترکیه

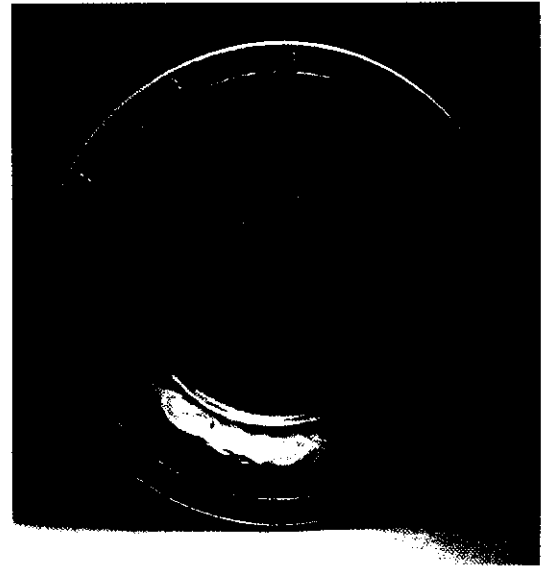
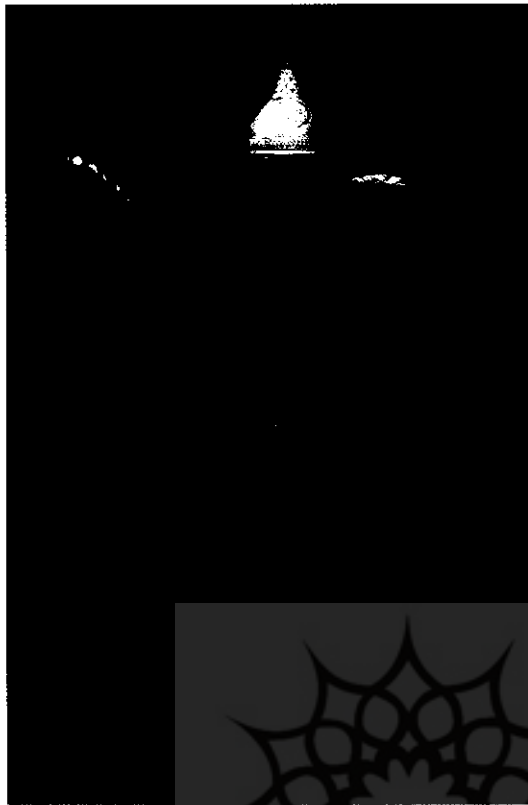
در دربار عثمانی، سلطان سلیم اول (حک ۹۱۸-۹۲۶ق / ۱۵۱۲-۱۵۲۰م) ظروف چینی رنگارنگ بسیاری داشت؛ اما بیش از همه به سلادون علاقه‌مند بود. ظروف سلادون

(26) Koryō (935-1392 AD)

(27) Sanggam

ت.۷. (راست) بشقاب
 سلا دون با نقش
 ازدها. موزه توب قایی،
 استانبول، سده چهاردهم
 میلادی، دوره یونان

ت.۸. (چپ) ایریق
 سلا دون. موزه
 توب قایی، استانبول،
 سده های چهاردهم و
 پانزدهم میلادی



پس از آن، یعنی در دوره های ایلخانیان و تیموریان و صفویان، کرمان همواره در سفالگری و ساختن ظروف سلا دون سرآمد بود؛ آن چنان که در برخی از منابع، ظرف سلا دون را «سفال کرمان» خوانده اند.^{۲۷}

بنا بر متون فارسی، تیمور سفالگران چینی را به ایران فراخواند تا به سفالگران ایرانی بعضی فنونی را که در چین رایج بود آموزش دهند.^{۲۸} گویا این رسم بعدها هم ادامه یافت؛ اگرچه اثبات آن دشوار است.

در سال ۱۳۴۵ش / ۱۹۶۶م، دکتر فهزواری^(۲۸) به همراه پرفسور سایریل اسمیت^(۲۹) در دو قلعه معروف در کرمان، قلعه اردشیر و قلعه دختر، تحقیقات وسیع باستان شناسی کردند. در قلعه دختر، فقط سفالهای دوران میانه اسلامی، مخصوصاً ظروف لعابی و طلاکاری شده، یافت شد.^{۳۰}

کاوش در قلعه اردشیر دستاوردهای بیشتری داشت. در آنجا علاوه بر ظروف دوران اولیه اسلامی، سلا دونهای اصلی چین و سلا دونهای تقلیدی محلی همراه با تعداد بسیاری تکه های سفال آبی و سفید کشف شد. این تکه ها اکنون در مؤسسه شرق شناسی شیکاگو^(۳۰) و قسمتی هم در مدرسه شرق شناسی و آفریقاشناسی در دانشگاه لندن^(۳۱) در بخش جمع آوری اشیای باستانی نگهداری می شود. بعدها نمونه های بیشتری در غیر آن^{۳۲} به دست آمد.^{۳۱}

نونهای از سلا دونهای تقلیدی در کرمان کاسه ای مربوط به نیمه اول قرن هشتم / چهاردهم است که کف کم

عمق، کناره های گرد و لبه برگشته، بدنه خاکستری سفید با پوشش فریتی کوارتز^(۳۲) در زیر لعاب سلا دون دارد. در داخل آن سه نقش ماهی قالب گیری شده برجسته است؛ لبه بیرونی ظرف کتیبه ای حک شده دارد و در زیر کتیبه خطوطی شبیه به لبه گلبرگ نقش کرده اند.^{۳۲}

آرتور لین^(۳۳) کاسه ای مشابه کاسه یاد شده را منتسب به سلطانیه دانسته است؛ اما تحقیقات باستان شناسی اخیر در استان کرمان در محلی که بازمانده های بسیاری از سلا دونهای چینی و نمونه های تقلیدی محلی در آن یافت شده این احتمال را پیش می آورد که کرمان منشأ این ظروف بوده است.^{۳۳}

گرچه هنوز در صنعت سفال و مراکز آن در دوره تیموریان تحقیق کافی نشده است و آگاهی ما از آن کافی نیست؛ به نظر می رسد که سفالگران آن دوره شیوه سفالگری ایلخانیان را ادامه دادند. در این دوره، سلا دون ظاهر شد و نگاره های این دوره بهترین گواه در این باره است؛ مثلاً در نگاره ای در مجمع التواریخ، سلا دونی به رنگ فیروزه ای می بینیم که با نقوش اسلیمی به رنگ لاجوردی تزیین شده است.^{۳۴}

در دوره صفویه، سفالگران دوباره به ساخت

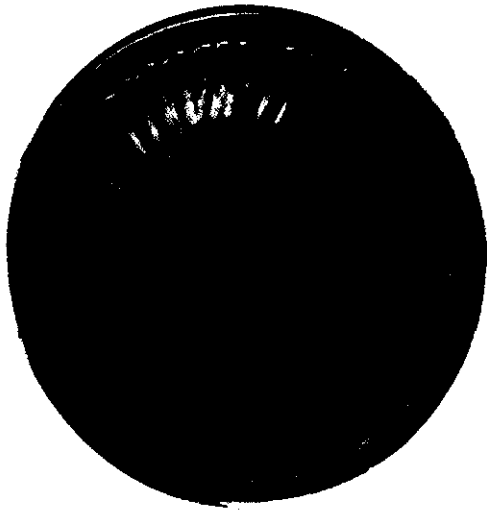
(28) Geza Fehervari
 (29) Syril Smith

(30) School of Oriental and African Studies, University of London
 (31) Chicago Oriental Institute
 (32) Fritted Quartz
 (33) Arthur Lane

ت ۹. (راست، بالا) کوزه
تکرنگ با نقش گل
چهاربر. کرمان، دوره
صفویه، ۱۷م - ۱۸م،
موزه طارق رجب،
کویت

ت ۱۰. (راست، پایین)
کوزه چهاروجهی با
لعاب سبز. کرمان، سده
یازدهم / هفدهم، موزه
طارق رجب، کویت

ت ۱۱. (چپ) بشقاب
سلادون ایران. کرمان،
دوره صفویه، سده
یازدهم / هفدهم، موزه
طارق رجب، کویت



این دوره، می توان به دو گروه تقسیم کرد:
۱. گروه اول، ظروفی که تحت تأثیر سلادون چین ساخته
شد؛

۲. گروه دوم، ظروفی که با ابتکار سفالگران ایرانی با نقوش
و تزیین جدید در دوره صفویان رایج شد.^{۲۵}
در سفالینه های گروه اول، نقش مایه های چینی،
مانند ازدها و نیلوفر آبی و ماهی، به چشم می خورد و
ظروف از نظر شکل تا حدی شبیه ظروف ساخت چین
است. سفالینه های گروه دوم از نظر تزیین با گروه اول
تفاوت دارد و رنگ آنها تیره و عموماً به شکل کاسه و
بشقاب است. لبه برخی از این ظروف کتیبه دارد.

در میان انواع ظروف این دوره، ظروف تکرنگ^{۲۶}
و چندرنگ کرمان نیز دیده می شود؛ و این خود گواهی
دیگر بر این مدعا است که کرمان در دوره صفویان همچنان
از مراکز مهم سفالگری بوده است.

این را که کرمان از مراکز (یا حتی تنها مرکز) تولید
ظروف سلادون تقلیدی بوده می توان از تعداد بسیار
ظروف لعابی تکرنگی دریافت که در آنجا تولید شده
است. این ظروف بسیار متأثر از ظروف سلادون است و
رنگ آنها (سبز مایل به خاکستری یا سبز متمایل به زرد)
نیز شبیه سلادون است. در کنار این رنگها، از رنگهای آبی
کبالتی و قهوه ای و ارغوانی روشن هم استفاده شده است.
هم اکنون تعدادی از این ظروف در موزه طارق رجب
کویت نگهداری می شود (ت ۹ و ۱۰).^{۲۷}

در میان ظروف ایرانی این موزه، ظرف بزرگ

ظروف سلادون متمایل شدند. شاید این گرایش ناشی
از علاقه وافر شاه عباس به جمع آوری ظروف چینی
باشد. این علاقه به حدی بود که او در مقبره جدش،
شیخ صفی الدین اردبیلی، در اردبیل چینی خانه ای ساخت
و در کاخ عالی قاپوی اصفهان اتاقهای مخصوصی را به
نگهداری این ظروف اختصاص داد.

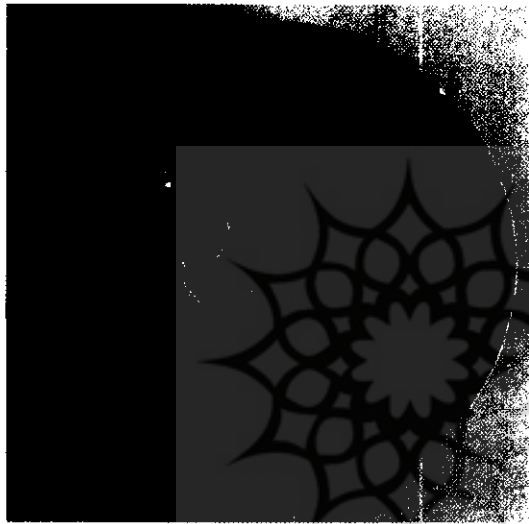
در کل ظروف سلادون را، مانند ظروف آبی و سفید

ت ۱۲. (راست) کاسه
 سلادون اصل چینی.
 احتمالاً دوره یونان،
 موزه ایران باستان،
 تهران



ت ۱۳. (چپ، بالا)
 بشقاب سلادون با نقش
 ماهی. احتمالاً چینی (با
 توجه به کیفیت طراحی
 ماهیها و سنگینی
 ظرف). موزه آبگینه‌ها و
 سفالینه‌های ایران، تهران

ت ۱۴. (چپ، پایین)
 بشقاب سلادون با نقش
 ماهی. نمونه تقلید ایرانی
 از سلادون چینی، موزه
 آبگینه‌ها و سفالینه‌های
 ایران، تهران



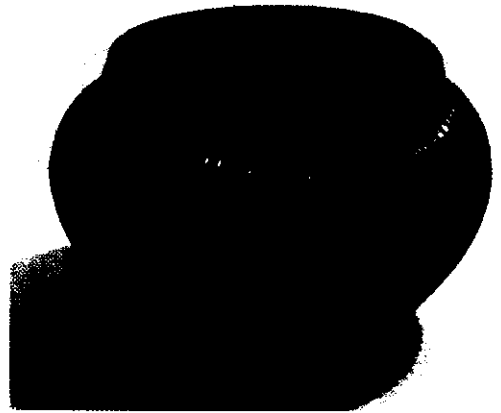
شبیبه‌تر است تا به ماهی چینی (ت ۱۳، نمونه چینی؛ ت ۱۴،
 نمونه ایرانی).

سلادونهای موزه‌های تهران موزه ملی ایران

(34) earthenware

بنا به گفته کارشناسان موزه ایران باستان، در این موزه
 در حدود شصت ظرف سلادون نگهداری می‌شود که همه
 آنها متعلق به مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است.
 به جز یک بشقاب با نقش دو ماهی که تاریخ آن سده
 هشتم/ چهاردهم و متعلق به خراسان است و در بخش
 دوران اسلامی قرار دارد، بقیه ظروف سلادون در انبار
 موزه نگهداری می‌شود (ت ۱۲ و ۱۵ و ۱۶).
 موزه رضا عباسی

در این موزه نه ظرف سلادون هست، که همه آنها در
 روزگار تأسیس موزه از مجموعه‌داران خصوصی خریده
 شده است و به سبب نامعلوم بودن منشأ و هویتشان، آنها



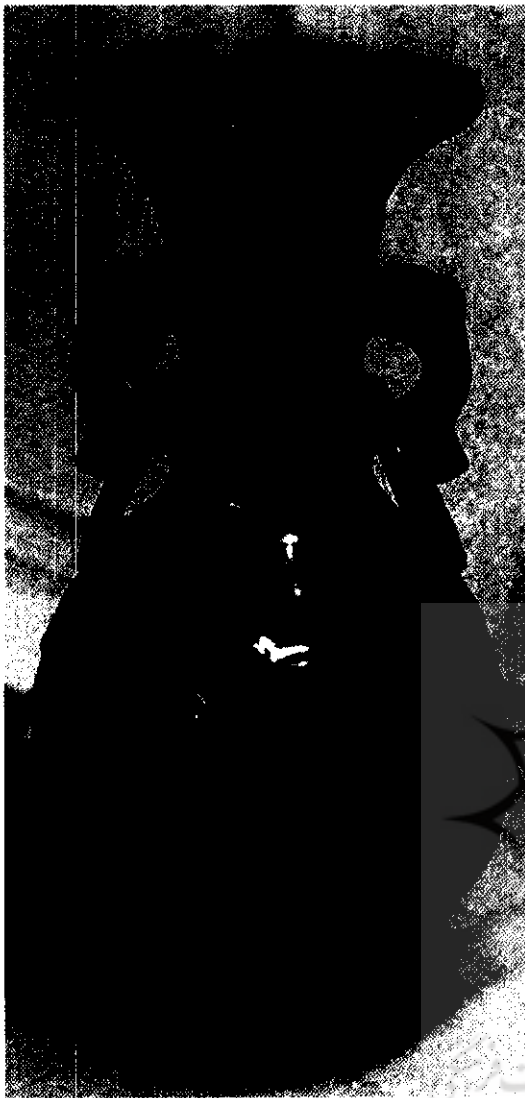
مسطحی با برجستگی و خیاره‌کنی یا لبه باریک و گرده‌شده
 هست. این ظرف را از سفال قهوه‌ای (ارتن‌ور)^(۳۴) ساخته
 و به آن لعاب سبز مایل به خاکستری داده‌اند (ت ۱۱).^{۲۸}

مقایسه ظروف سلادون اصل و نمونه‌های تقلیدی
 یکی از نکاتی که در بسیاری از سلادونهای تقلیدی ایرانی
 مشهود است بدنه ظرف است که معمولاً از جنس سفال
 قهوه‌ای (ارتن‌ور) با لعاب سبز مایل به خاکستری است.
 این موجب می‌شود ظروف سلادون تقلیدی سبک‌تر از
 سلادونهای اصل چینی باشد.

نکته دیگر خیاره‌ها و شیارهای اطراف برخی
 از ظروف سلادون است. در نمونه‌های ایرانی، رگه‌ها
 و خیاره‌ها همگی پهنای یکسانی دارد و معمولاً باریک‌تر
 از نمونه‌های چینی است. در نمونه‌های چینی، رگه‌ها با
 نقاط لبه ظرف ارتباط دارد. گاه چنین می‌نماید که سفالگر
 ایرانی این طرحها را از روی ظروف فلزی قرون اولیه
 اسلامی برداشت کرده است، نه از نمونه‌های چینی (ت ۱۱،
 نمونه ایرانی؛ ت ۱۲، نمونه چینی).

از سوی دیگر، نقش ماهی از مهم‌ترین نقوش
 ظروف سلادون است؛ لیکن این نقش در ظروف سلادون
 اصل و تقلیدی متفاوت است. سلادونهای چین همواره
 حداقل دو و معمولاً سه یا چند ماهی دارد. در این
 سلادونها، یک ماهی سنگین با برجستگی بسیار به رنگ
 قهوه‌ای روشن با لکه‌های رنگی به غیر از رنگ لعاب
 ظرف و با جزئیات بسیار دیده می‌شود.

ماهیهای ظروف سلادون ایرانی بدنی ظریف و بلند
 دارد، با جزئیات کم و لبه‌های باریک و نوک تیز که بیشتر
 به خطاطی شبیه است. ماهیهای ایرانی به ماهی طبیعی

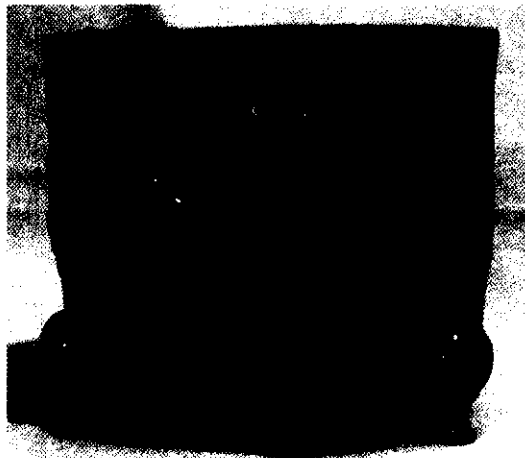


حاصل سخن

سفال از هنرهای کهن در ایران است و در طی تاریخ طولانی‌اش تحولات بسیاری داشته است. سفالینه نخست صورتی ساده و صرفاً متناسب با کاربرد داشت؛ به مرور آن را با نقوشی مبین اندیشه و بینش و دین اقوام آراستند.

از نقاط عطف در تاریخ سفال ابداع لعاب و فن و هنر لعاب‌دهی است که دنیای سفال را دگرگون کرد. هنرمندان انواع لعاب و شیوه‌های گوناگون لعاب‌دهی ابداع کردند و به تدریج ویژگیهای منطقه‌ای در این فن پدیدار شد.

در میان لعابهای دوران اسلامی در ایران، لعاب سلادون، که شاید از چشم بسیاری از هنردوستان پنهان

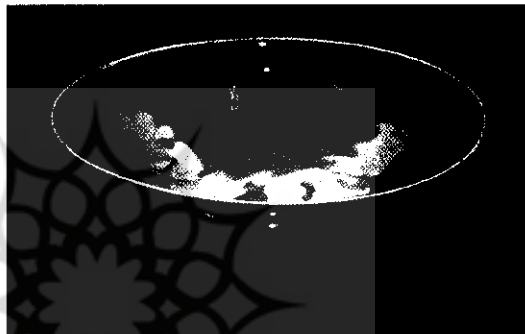


ت ۱۵. (راست، بالا)
ظرف سه پایه سلادون
اصل چینی. احتمالاً
دوره یونان، موزه ایران
باستان، تهران

ت ۱۶. (چپ) گلدان
سلادون اصل چینی.
احتمالاً دوره یونان،
موزه ایران باستان،
تهران

ت ۱۷. (راست، وسط)
کاسه سلادون. موزه
رضا عباسی، تهران

ت ۱۸. (راست، پایین)
بشقاب سلادون با
نقش ازدها. موزه رضا
عباسی، تهران



را در معرض دید عموم نگذاشته‌اند (ت ۱۷ و ۱۸).

موزه آبگینه‌ها و سفالینه‌های ایران

بنا بر قول امین اموال فرهنگی موزه، این موزه شش ظرف سلادون دارد که همه از حفاران و فروشندگان قاچاق گرفته شده است. نیمی از این ظروف را در معرض دید عموم گذاشته‌اند (ت ۱۵ و ۱۶).

مانده باشد، از لحاظ هنری و تاریخی جایگاهی مهم داشته است.

سلادون در زمان مغولان و هم‌زمان با ویرانی و غارت آنان و از میان رفتن بسیاری از کانونهای سفالگری ایران به این سرزمین وارد شد و در زمان ایلخانیان پا گرفت. با آنکه سفالگران آن دوره به مواد و خاک مناسب دسترس نداشتند، با وام‌گیری از نمونه‌های چینی و افزودن ابداعاتی از خود آثار ماندگار پدید آوردند. فن و هنر سلادون چینی محرک و آموزنده سفالگران ایرانی بود؛ اما به تدریج، سفالگران ایرانی موفق شدند آثار مطابق ذوق ایرانی پدید آورند. □

کتاب‌نامه

- توحیدی، فائق. فن و هنر سفالگری، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- دورانت، ویل و آریل. تاریخ تمدن، جلد اول، مشرق زمین گهواره تمدن، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- رحیمی، افسون و مهران متین. تکنولوژی سرامیکهای ظریف، تهران، شرکت صنایع خاک چینی ایران، ۱۳۶۸.
- کریمی، فاطمه و محمدیوسف کیانی. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، تهران، مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۶۴.
- گاردنر، هلن. هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۸.
- Fehervari, Geza. *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, I. B. Tausis, 2000.
- . *Islamic Pottery*, Faber and Faber, 1975.
- Grube, Ernest. *Islamic Pottery of the eighth to the Fifteenth Century in the Keir Collection*, Faber and Faber, 1976.
- Krahl, Regina in collaboration with Nurdan Erbahar. *Chinese Ceramics in Topkapi Seray Museum, Istanbul*, Sothebys Publications, 1986.
- Lane, Arthur. *Lather Islamic Pottery: Persia, Syria, Egypt, Turkey*, Faber and Faber, 1971.
- Pop, A. *Chinese Porcelains from the Ardebil Shrine*, Washington, Freer Gallery of Art, 1956.
- Tichane, Robert. *Celadon Blues*, Krause, 1998.
- Wen, Lizhiyan and Cheg. *Chinese Pottery and Porcelain, China*, Foreign Languages Press, 1996.
- <http://netra.glendale.cc.ca.us/ceramics/koryomeiping.html>.
- http://www.turkey.org.cu/english/chinese_ceramics_in_the_topkapi.html.
۱. دانشیار گروه سرامیک دانشکده مهندسی مواد و متالورژی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- این مقاله بر مبنای تحقیق این منبع تهیه شده است:
- ساناز رنجی، لعاب سلادون، پایان‌نامه دوره کارشناسی رشته صنایع دستی (گرایش سفال)، استاد راهنما: دکتر حسین سرپولکی، تهران، دانشگاه الزهراء، بهار ۱۳۸۶ (منتشر نشده).
۲. افسون رحیمی و مهران متین، تکنولوژی سرامیکهای ظریف، ص ۴۶.
۳. همان، ص ۴۷.
۴. همان‌جا.
5. Arthur Lane, *Lather Islamic Pottery*, p. 105.
۶. رحیمی و متین، همان، ص ۳۹.
۷. سعید نفیسی، فرهنگ لغات فرانسه به فارسی، ۱۳۴۶.
8. *Concise Oxford Dictionary*, 1976.
9. Lizhiyan and Cheng Wen, *Chinese Pottery and Porcelain*, p. 45.
۱۰. سلادون نامی است که فرانسویان در قرن هفدهم با مشاهده این نوع ظروف بدانها دادند.
۱۱. در مقابر چینیان، سنگ یشم به‌وفور یافت شده است؛ چرا که آنان معتقد بودند که این سنگ خاصیت جادویی دارد و از جسد متوفا نگهداری می‌کند.
۱۲. دورانت، تاریخ تمدن، مشرق زمین گهواره تمدن، ص ۹۲۴.
13. Robert Tichane, *Celadon Blues*, p. 55.
14. *ibid.*
15. *ibid.*
۱۶. تا کنون ظرف و لعاب سلادون در اروپا به دست نیامده است و تلاش برای یافتن آن ادامه دارد.
17. Lizhiyan and Cheng Wen, *op. cit.*, p. 8.
۱۸. واژه «پورسلن» از واژه ایتالیایی «پورچل» (purcell) گرفته شده است. «پرسلا» نام حلزونی در دریای مدیترانه است یا صدف سفید و نیمه‌شفاف است. اولین بار مارکوپولو در قرن سیزدهم میلادی از این کلمه برای نامیدن ظروف چینی استفاده کرد. — رحیمی و متین، همان، ص ۲۱ و ۲۲.
19. Lizhiyan and Cheng Wen, *op. cit.*, p. 8.
20. *ibid.*, p. 46.
21. *ibid.*, p. 46-47.
22. *ibid.*, p. 47.
23. *ibid.*
24. *ibid.*, p. 60.
25. A. Pop, *Chinese Porcelains from the Ardebil Shrine*, p.153.
۲۶. هلن گاردنر، هنر در گذر زمان، ص ۲۲۰.
27. Regina Krahl, *Chinese Ceramics in Topkapi Seray Museum, Istanbul*, p. 235.
28. *ibid.*, p. 234.
29. *ibid.*
30. *ibid.*, p. 240.

31. <http://netra.glendale.cc.ca.us/ceramics/koryomeiping.html>.
32. Krahl, op. cit., p. 235.
33. http://www.turkey.org.cu/english/chinese_ceramics_in_the_topkapi.html
34. Geza Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 276.
35. idem, *Islamic Pottery*, p. 119.
36. idem, *Ceramic of the Islamic World*, p. 217.
37. ibid.
38. ibid., p. 277.
39. ibid.

۴۰. شهری است [به ناحیت کرمان]، میان سیرگان و م. — حدود العالم، نقل شده در دهخدا، ذیل «غیرا». — و.

41. Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 277.
42. idem, *Islamic Pottery*, p. 125.
43. ibid.
44. Ernest Grube, *Islamic Pottery*, p. 278.

۴۵. کریمی و کیانی، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، ص ۶۸.

۴۶. «تک‌رنگ» در توصیف نوعی ظرف سفالی با زمینه رنگی عمدتاً آبی، سبز، قهوه‌ای به کار می‌رود که گاهی جزئیات اندکی با رنگهای دیگری به آن افزوده می‌شود. برخی از این ظروف نیز بدون تزئین است. — فائق توحیدی، فن و هنر سفالگری، ص ۲۸۷.

47. Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 277.
48. ibid.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی